



همه آدم‌ها در غریزه‌شان نیاز به تحسین دارند و این موضوع به آنها انگیزه می‌دهد تا در یک موضوعی، فعالیت بهتری داشته باشند. ولی در زمینه امنیت، اصلاً این گونه نیست؛ شما هر چه بیشتر فعالیت کنید، گمنام‌ترید. این مسأله سختی برای تبیین شخصیت این کاراکترها است



شده بود. چشمانم را بستم و دوباره که باز کردم صحنه جالبی بود؛ آقای انوش معظمی که از دوستان خوب من هستند و نقش مقابل من بودند و قرار بود در آن سکانس به هم تیراندازی کنیم جوری ایستاده بودند که سایه‌شان روی من بیفتد و آفتاب من را اذیت نکند.



یکی از اولین قضاوت‌ها،

مقایسه این سریال با سریال گاندو بود که از زمان پخش تیزر تا قسمت‌های اول و دوم ادامه داشت. چون در قسمت‌های ابتدایی به خاطر اکشن بالای کار خیلی به کاراکترها پرداخته نمی‌شد ولی خدا را شکر باز خورد مردم خیلی خوب بوده است و کار تا به این لحظه از طرف منتقدان مورد نقد جدی قرار نگرفته است ولی دوستانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، به کلیت کار نمره قابل قبولی داده‌اند

● اگر بخواهید بین بازیگری، کارگردانی و تهیه‌کنندگی یک مورد را انتخاب کنید، علاقه خودتان به کدام بیشتر است؟

این سه خیلی به هم نزدیک هستند ولی اگر بخواهم انتخابی داشته باشم کارگردانی و بازیگری را ترجیح می‌دهم. مثلاً در بازیگری شما به خلق یک شخصیت کمک می‌کنید ولی در کارگردانی به خلق یک اثر شامل کلی بازیگر، قصه و... کمک می‌کنید و تهیه‌کنندگی چون خیلی به مسائل مالی مربوط است و من خیلی آدم مالی نیستم گرایش کمتری به تهیه‌کنندگی دارم و ترجیح می‌دهم تهیه‌کنندگی برای شرایط خاص و کارهای خاص را انجام دهم. به همین دلایل علاقه من بیشتر به سمت بازیگری و کارگردانی است و از بین این دو، علاقه من به کارگردانی، به خاطر تجربیاتی که داشتم و اتفاق‌هایی که افتاده خیلی عمیق‌تر است ولی به نظر من بازیگری در مسیر درست هم کم از کارگردانی ندارد.

● حرف و نکته خاصی در مورد «تور» بود که پرسیده نشد؟

دوست دارم مخاطبین بدانند که در کنار محتوایی که ارائه دادیم، عوامل یک عشق خاصی نسبت به تولید این اثر داشتند تا کار دیده شود؛ ما متأسفانه در زمینه رسانه‌ای کردن قهرمان‌های کشورمان، خیلی کار نکرده داریم و بهتر است که یک سری آثار خوب و قوی و در شأن این قهرمان‌ها تولید شود که بتوانند حقیقت را برای مخاطب روشن کند. امیدوارم روزی برسد که قهرمانان کشورمان همه در دل و روح و جان مخاطبین رخنه کنند.

با سریال گاندو بود که از زمان پخش تیزر تا قسمت‌های اول و دوم ادامه داشت. چون در قسمت‌های ابتدایی به خاطر اکشن بالای کار خیلی به کاراکترها پرداخته نمی‌شد ولی خدا را شکر باز خورد مردم خیلی خوب بوده است و کار تا به این لحظه از طرف منتقدان مورد نقد جدی قرار نگرفته است ولی دوستانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند به کلیت کار نمره قابل قبولی داده‌اند.

● خاطره به یادماندنی از این کار دارید؟

بله، در یک صحنه‌ای باید از کوه بالا می‌رفتم؛ خیلی شرایط عجیبی بود چون یک مسافت طولانی با یک شیب تند باید پیموده می‌شد و این سکانس با سه دوربین فیلمبرداری می‌شد. من به سرعت بالا رفتم و حالم بد شد و چون آقای تقیانی پور و عوامل، فاصله زیادی با من داشتند متوجه حال بد من نشدند؛ کات دادند و گفتند دوباره تکرار شود. در حین پایین آمدن مرتب می‌گفتم خدا یا کمکم کن. روزهای آخر کار است و به خاطر من کار عقب نرفتند تا عوامل جای دوربین‌ها را عوض کردند و پلان را آماده کردند من دوباره دویدم تا همان مسیری که قابل قبول بود رفتم و بلافاصله افتادم. حال بدی داشتم؛ حالت گرم‌زدگی شدید؛ یک لحظه چشمم را باز کردم، دیدم آقای تقیانی پور به سمت من می‌دوند و چون سربیک کاری زانوی من آسیب دیده بود فکر می‌کردند که زانوی من دوباره آسیب دیده است ولی خدا را شکر مشکل پای من به‌طور کامل برطرف

زیردستان‌شان یک رابطه گرم و صمیمی برقرار است که در این سریال زیاد به آن پرداخته شد. بدون شک استرس و نگرانی از برخورد مخاطب وجود داشت ولی هم تیم سازنده و هم تیم رسانه‌ای تلاش خودشان را کردند تا یک کار خوب ارائه بدهند و همه چیز به نظر مردم بستگی دارد.

● قرار بود یک تیم دیگری این سریال

را بسازد و تغییراتی صورت گرفت و آقای تقیانی پور کارگردان شدند و گویا مدیران تلویزیون قصد داشتند که این سریال به سالگرد شهادت حاج قاسم برسد و قطعاً تولید در این شرایط سخت‌تر بوده است. کار فشرده بود. مسأله این است که چون بازیگر جلوی دوربین است تمام خستگی و حتی درماندگی جسمی او به سرعت برای بیننده مشخص می‌شود؛ برای همین همیشه باید شاد و خوشحال باشد، اگر نه تمام گروه نهایت تلاش خودشان را برای این سریال کرده‌اند که در زمان مقرر به پخش برسد و خدا را شکر رسید. قرار بوده این سریال به دست گروه دیگری ساخته شود و برای نقش‌ها به هزاران نفر فکر شده است، ولی قسمت این بوده است این تیم در این زمان و این مکان و در این شرایط این سریال را بسازند.

● کل این سریال ۹ قسمت است. از

باز خورد‌های اطرافیان تا منتقدینی که سریال را دیده‌اند، بگوئید. یکی از اولین قضاوت‌ها، مقایسه این سریال

به دلیل اینکه سریال ترور و گاندو اشتراکاتی در عوامل داشتند این شباهت‌ها قطعاً گریزناپذیر بود ولی تیم بازیگری گاندو بسیار قوی بودند.

● اساساً فیلم‌های قهرمان محور

بخصوص اگر این قهرمان، ملی و وطنی باشد؛ یک حساسیت بیشتری روی آن هست بویژه حالا که در تلویزیون و به صورت سریال قرار است پخش شود، قطعاً پربیننده است و مهم‌ترین آنکه اسم حاج قاسم روی سریال است و اولین سریالی است که قرار است در مورد حاج قاسم ساخته شود؛ برای بازی در چنین سریالی قطعاً آدم دچار ترس و استرس می‌شود که خروجی کار چه می‌شود؟ و اگر بازیگری نقش خود حاج قاسم را بازی می‌کرد این همه نگاه از روی شما برداشته می‌شد ولی اینکه حالا فقط اسم ایشان است و در تصویر فقط دو گروه تروریستی و تیم امنیتی دیده می‌شود، قطعاً این نگرانی برای خوب شدن، کار را چندین برابر حساس می‌کند. با این چالش‌ها چگونه کنار آمدید؟

مسئله یک بخشی از آرامش من به شناختی که از گروه سازنده داشتم، برمی‌گشت و یک اعتماد دوطرفه بود و قطعاً هر کاری را که من انجام دهم چه بازیگری، چه تهیه‌کنندگی، چه کارگردانی، فقط به همان مقطع فکر می‌کنم که بهترین باشد. خیلی به اینکه بعد از آن چه اتفاقی می‌افتد و نمی‌افتد، فکر نمی‌کنم. همه آدم‌ها در غریزه‌شان نیاز به تحسین دارند و این موضوع به آنها انگیزه می‌دهد تا در یک موضوعی، فعالیت بهتری داشته باشند. ولی در زمینه امنیت، اصلاً این گونه نیست؛ شما هر چه بیشتر فعالیت کنید گمنام‌ترید. این مسأله سختی برای تبیین شخصیت این کاراکترها است. این افراد، بخشی از غریزه خودشان را سرکوب می‌کنند و چیزی که حال‌شان را خوب می‌کند، این است که ببینند امنیت وجود دارد و اینها نکات ریزو جذاب این آدم‌ها است. اینها علی‌رغم فشار عمده و سنگینی که روی دوش‌شان است برای حل کیس‌های مختلف، یک آرامش عجیبی در ارتباطات‌شان دارند و همچنین در ارتباط با

